

مرد

دوستی از عشق پیشی می‌گیرد

حواد لگزیان

● رابطه دو جنس زن و مرد در طول تاریخ بشریت همواره از عشقی آتشین تا جنگی تمام‌عیار در نوسان بوده، اما با پیشرفت اندیشه و فرهنگ اکنون هر دو جنس کم‌کم به این نتیجه می‌رسند که روزگار عشق و جنگ رو به اتمام است و باید با پذیرش شباهت‌های دو جنس، به دوستی و صلح اندیشید. الیزابت بدانتز، استاد فلسفه، تاریخ و روان‌شناسی خانواده در پلی تکنیک پاریس، در کتاب «شباهت‌های دو جنس» انسان‌ها را به تفکر درباره روابط میان مردان و زنان دعوت می‌کند و صور مختلف این ارتباط را بررسی می‌کند: از مکمل‌بودن یا همراهی مرد و زن با هم در بعضی لحظات برجسته تاریخی، تضاد و خشونت در هنگامی که این مکمل‌بودن به صورت یک ارتباط استثمارگرایانه درمی‌آید و مرد در نقطه مقابل زن است، تا برابری واقعی بین مردان و زنان که الگوی هزارساله مکمل‌بودن را پایان بخشیده و الگوی جدیدی در حال شکل‌گیری است. بنا بر روایت بدانتز، در دوران اولیه تاریخ بشری، بین دو جنس تعادلی نسبی وجود داشت که ناشی از جدایی نقش‌ها و قدرت‌ها بود. بدین‌ترتیب معجزه زندگی‌بخشیدن در دست زن بود و مرد مرگ را به مبارزه می‌طلبید، درحالی‌که هر دو منزلت خاص خود را داشتند. وسایل هنری باقی‌مانده از دوران ماقبل تاریخ مؤید این امر است، تحولات بوم‌شناختی، اقتصادی و ایدئولوژیکی تعادلی را که بر پایه مکمل‌بودن وظایف جنسی استوار شده بود از بین برد. ویژگی زنانگی که سابقاً حوزه قدرت زنان محسوب می‌شد، در خدمت مردان درآمد؛ اربابان مطلق دنیای خارج البته‌ها را حذف کردند، خدایان را جایگزین آنان کردند و کنترل باروری انسانی را که مایه منزلت‌شان بود به دست گرفتند. زن پایگاه حاشیه‌ای نان‌خوربودن و خانه‌داربودن را پیدا کرد و تا مدت‌های مدیدی هر نوع موقعیت برتر یا برابر را در امر مشارکت از دست داد. مکمل‌بودن تنها یک خیال خام بود و همه‌جا یک مخالف دیگری محسوب می‌شد، حتی چنین به نظر می‌رسید که این دو به یک نوع واحد تعلق ندارند. این مکمل‌بودن منفی منشأ نزاعی میان دو جنس شد و زنان را واداشت تا هر نوع طرح مشابهت را رد کنند. تجربه به آنها نشان داده بود که مکمل‌بودن با خود جوانه نابرابری و استثمار را دارد، بنابراین با اشتیاق به انهدام آن پرداختند. اما اکنون برابری نوظهور موجب شباهت دو جنس شده و به نزاع دیرین پایان داده است. احساساتی که این‌زوج تحول‌یافته را متحد می‌کنند، تغییر کردند و عجیب‌وغریب‌بودن جای خود را به «خودی»بودن داده است و گرچه این تحول از شدت عشق و تمنا یا ما کاسته، در عوض نوعی مشارکت و عملدی را ما ایجاد کرده که بی‌شباهت به احساساتی نیست که اعضای یک خانواده را به هم متحد می‌کند.

اکنون به نظر بدانتز دیگر نمی‌توان کسی را تصور کرد که به خاطر عشق حاضر به خودکشی شود. ما وقتی به سرکیجه عشق برمی‌خوریم، مراقب عواطف خطرناکی هستیم که برای «خود» در پی خواهد داشت. اگر قرار است زجر بکشیم، ترجیح می‌دهیم که رابطه را قطع کنیم. اینجا نیز حساب می‌کنیم و افراط در عشق را نمی‌پندیریم که تهدیدی است برای کمال خود. ما از عشق شهوانی قرون وسطایی قرن‌ها دور شده‌ایم. عشق آتشین در حال خاموشی است، سرکیجه احساسی زن همین‌طور. بدانتز معتقد است اکنون خواست‌های قلبی ما جهش پیدا کرده‌اند و ما دیگر دنبال اضطراب‌های تمناها نیستیم. خواست قلبی نسبت به خواست جسمانی در اولویت است. عوامل علت برعکس شده‌اند: تقاهم بین بدن‌ها تابع تقاهم بین قلب‌هاست و این بزرگ‌ترین قصه ماجراجی زوج است. در نظر بدانتز، اکنون دوستی از عشق پیشی می‌گیرد؛ علائم بسیاری نشان می‌دهند که رابطه عاشقانه‌ای که ما در پی آنیم بیشتر از الگوی دوستی تبعیت می‌کند تا از الگوی عشق آتشین، به‌جای درد و زجر و شگفتی و سوءظن، آرامش، شفافیت و اعتماد را ترجیح می‌دهیم. مدم تاقران ما را دلسرده می‌کند و نمی‌توانیم مدتی طولانی یک عشق یک‌طرفه را تحمل کنیم. عشاق به دنبال تصویر متقارن و متشابه از خود هستند یا لاقال می‌خواهند که ناهماهنگی مفرط نداشته باشند. باهم یکی می‌شویم چون به هم شبیه هستیم و می‌خواهیم نگاه یکسانی به یک واقعیت داشته باشیم. عشاق، دست‌درست هم منجمد و در کنار هم برای مواجه‌شدن با زندگی حرکت می‌کنند. دیگر در فکر تصاحب دیگری و تسلط بر او نیستیم، بلکه به فکر دوست داشته‌شدن، حمایت‌شدن، دلداری‌گرفتن، فهمیده‌شدن و بخشوده‌شدن از طرف دیگری هستیم. به گفته آدورنو، تنها نزد کسی که ما را دوست دارد، می‌توانیم بدون اینکه احساس قدرت را در او برانگیزیم ضعف خود را نشان دهیم. بدانتز با توجه به آمار افزایش تعداد مجردها خاطر‌نشان می‌کند جست‌وجوی استقلال الزاما به معنای رد رابطه دوگانه نیست. ولی بدانتز با پیدآوری خطر فردگرایی افراطی در روابط دو جنس بر آن است با نگاهی خوش‌بینانه از تغییر مناسبات دو جنس خبر دهد: نه از پایان انسان که از ظهور انسانی جدید.

شباهت‌های دو جنس الیزابت بدانتز
ترجمه: افسانه وارسته‌فر
ناشر: اختران
چاپ اول: ۱۳۹۸
قیمت: ۳۶۰۰۰ تومان



اندیشه

شرح استیون گرین‌بلت از کشف کتاب مهم لوکرتیوس «در باب طبیعت چیزها»

روایتی جذاب از سرآغازهای رنسانس

امیررضا گلایی



«لوکرتیوس»، شاعر و فیلسوف رومی قرن اول پیش از میلاد

صومعه از کتاب‌های گاه بارزشی که در کتابخانه دارند از جمله موانع سر راه اومانئیست‌ها بود که گرین‌بلت در روایت خود به طرافت بدانها می‌پردازد. به گفته گرین‌بلت، متون اصلی چندانی از یونان و روم باستان به دست ما نرسیده. غالب متون موجود کنونی نسخه‌های دست‌دومی است که به مدد همین اومانئیست‌ها و شکارچیان کتاب کشف شده. شاید عجیب به نظر برسد، اما متون کلاسیک یونان و روم تنها بخش کوچکی از آثار تعداد انگشت‌شماری از نویسندگان آن دوران است. به گفته گرین‌بلت، از هشتاد تا نود نمایشنامه آیسخولوس و حدود صدوسیست حرفه بود و راهبان با نوشتن طلسم در ابتدای کتاب‌های دست‌نویس راینندگان احتمالی کتاب یا کسانی را که فراموش می‌کنند کتاب امانت داده‌شده را بازگرداندن لعنت می‌کنند. کتاب فوق جست‌وجویی است در تاریخ قرون وسطی، اما جست‌وجویی نه چندان معمول.

بوچو یک نسل پیش از پترارک به دنیا آمده بود و از جمله پیروان سنت این اومانئیست نامدار بود، پترارکی که به جایگاهی افسانه‌ای در سنت اومانیسزم دست یافته است. جایگاهی که به گفته گرین‌بلت خالی از غلو و اغراق نیست. با این همه، نمی‌توان تلاش پترارک را برای احیای سنت یونان و روم باستان نادیده گرفت. تعلق خاطر به سنت‌های گذشتگان مختص اومانئیست‌ها نبود، اما به عقیده پترارک، این مدعیان زنده نگه‌داشتن سنت‌های باستانی دروغ‌گویانی بیش نبودند.

چه گواهی بهتر برای این مدعا که در آخن محل تاج‌گذاری حاکمی که خود در «امپراتور روم مقدس» می‌خواند حقیقتاً هیچ امپراتور رومی وجود نداشت. از این‌رو، سنت پترارک بر ارج‌نهادن به زبان یونانی و لاتین، یعنی همان زبان امپراتوری روم مقدس، بنا شده بود؛ سنتی که بوچو خود را پیروان آن می‌دانست و به همین دلیل در این زبان‌ها استاد شده بود. البته این امر برای بوچو عواید مادی نیز داشت. بوچو علاوه بر کتابت در بارگاه پاپ توانسته بود جای خود را در دل خانواده‌های اشرافی و سرشناس روم نیز باز کند؛ خانواده‌هایی که همواره به دنبال معلمی برای آموختن این زبان‌های باستانی بودند.

با این حال، یادگیری این زبان‌ها به بدون دسترسی به منابع اصلی به چه کار می‌آمد؟

احیای سنت گذشتگان بدون دانستن آن سنت‌ها امری غیرممکن بود و چه منبعی بهتر از

کتاب‌های قدیمی برای آگاهی از این سنت‌ها؟ اما

دسترسی به آثار نویسندگان عصر کلاسیک برای

اومانئیست‌ها ساده نبود. علاوه بر نابودی عظیم

این آثار در فرایند تخریب کتابخانه اسکندریه،

باقی‌مانده آنها نیز تحت عنوان آثاری شرک‌آمیز

توسط ارباب از بین رفته بودند، به علاوه دلایل

دیگر و گاه پیش‌پاافتاده‌ای نظیر سختی راه

رسیدن به صومعه محل این رساله‌های مهجور،

راهی که حریصانه از دادن نسخه خطی خود به

دیگران امتناع می‌کند یا صرفاً بی‌اطلاعی اعضای

شیرینی بیان شده باشد.

لوکرتیوس برای اومانئیست‌ها حکم افسانه داشت. چیزی از آثار او را نخوانده بودند اما به سبب اشاره به نام او در کار سایرین اهمیتش را می‌دانستند و بزرگی‌اش را پاس می‌داشتند. برخلاف بسیاری از بزرگان، زندگی لوکرتیوس نیز در الهه‌ای از ابهام بود، به سبب گوشه‌گیری‌اش هیچ رد و نشانی از زندگی‌نامه وی وجود نداشت. همین امر آتش اشتیاق شکارچیان کتاب را برای یافتن آثار وی تیزتر می‌کرد. البته قرعه به نام بوچو افتاد و وی کاشف شعر مهم لوکرتیوس «درباب طبیعت چیزها» شد.

کتاب لوکرتیوس، به گفته گرین‌بلت، نوشته یک شاکرد است. شاکردی که تنها ناقل آرا و افکار فیلسوف معروف یونانی اپیکور است. اپیکور برخلاف بسیاری از فلاسفه یونانی مانند افلاطون و ارسطو از تبار اشراف نبود و با درآمد ناچیز معلمی روزگار می‌گذراند. با این حال، واضح نظریه‌ای بود که تا دو هزار سال بعد گواهی تجربی بر صحت آن وجود نداشت و از قضای روزگار دو هزار سال بعد شواهد تجربی بر صحت نظریه او مهر تأیید زدند. اپیکور معتقد بود جهان از ذرات کوچکی به نام اتم تشکیل شده، ذراتی که خصیصه‌ای ندارند مگر اندازه، شکل و وزن. از منظر او اتم‌ها یک دم از حرکت نمی‌ایستند و پیوسته در حال برخورد با یکدیگر و ساختن اجرامی بزرگ‌ترند. فهم این جهان لاجرم بدون فهم ذرات سازنده آن یعنی اتم‌ها میسر نیست. پیروان اپیکور نگاهی پیام‌گروانه به او داشتند، از نظر ایشان آموزه‌های اپیکور حکم کتاب مقدسی داشت که باید سرمشق زندگی قرار گیرد. فلسفه اپیکور پیوندی ناگسستی با نظریه‌اش درباب اتم‌ها داشت، همان‌گونه که جهان اتم جهان کون و فساد، زایش و مرگ و وجود و عدم دائمی است. حیات انسان نیز چیزی بیش از آن نیست. لاجرم باید به گونه‌ای زندگی کرد که در این جهان فانی از حداکثر لذایت بهره برد، چون چیزی پس از مرگ در انتظار ما نیست. از سوی دیگر دیدگاه اپیکور در باب تصادفی‌بودن برخورد اتم‌ها و در نتیجه تصادفی‌بودن فرایند کون و فساد، بی‌تردید در نقطه مقابل دیدگاه غایت‌محور و علت‌گرای اغلب فلاسفه و از همه مهم‌تر فلسفه مسیحی است. شاید از این‌رو مسیحی است. شاید از این‌رو بتوان اپیکور را اولین فیلسوف امر حادث یا تصادفی دانست. امری که خارق اجماع است و نظم موجود و از پیش برنامه‌ریزی‌شده را در هم می‌شکند. امری که خصلتی «رخداد»گونه دارد.

هر چند، به گفته گرین‌بلت برداشت رایج از فلسفه اپیکور در دام ساده‌خوانی‌ها و بدفهمی‌هایی افتاده که به‌سختی می‌توان دیدگاه امروزی در باب اپیکور را با آنچه از او و سرگردانش به جای مانده

است، یکی دانست. به گفته اپیکور، در یکی از معدود نامه‌های به‌جامانده از او: «این چنین، وقتی می‌گوییم لذت هدف و غایت است منظورمان لذت‌های مطلوب مسرفان یا لذت‌های شهوانی نیست». با این همه، شاید دلیل اقبال اومانئیست‌ها به اپیکور را بتوان در همین ایده یافت؛ ایده‌ای که مستقیماً قلب اخلاق زاهدانه مسیحی را نشانه رفته است؛ اخلاقی مبتنی بر پارسایی و کف نفس. آموزه‌های اپیکور یکسره با آموزه‌های کلیسا در تضاد بود و به همین سبب کلیسا در هر فرصتی که به دست آورد در سرکوب چنین تفکری کوتاهی نکرد.

اما کشف تصادفی بوچو که به گفته گرین‌بلت جهان مدرن به آن وامدار است، چه بود؟ «در باب طبیعت چیزها» اثری دشوار است. کتاب شعری حاوی ۷۴۰۰ سطر شعر که در قالب استانده شش وزنی سروده شده است. چیزی شبیه سبک شعرهای حماسی هومر که شاعران لاتین‌زبان دیگری نظیر ویرژیل و اوید نیز پیش‌تر از آن تقلید کرده بودند. اما برای بوچوی زبان‌دان خواندن چنین کتابی به لاتین ابداع دشوار نبود. علاوه بر تبحر در زبان لاتین، بوچو واجد خصلتی بود که همه شکارچیان کتاب در آن مشترک بودند: علاقه به حل‌کردن معماهای دشوار متنی و زبانی. از همین‌رو چند صفحه اول چنین کتاب دشواری بوچو را متقاعد کرد که شکاری ناب به دامش افتاده است. اما کتاب بوچو فقط یک اثر ادبی نبود و اندیشه‌های لوکرتیوس در این کتاب آن چنان بدیع و خارق‌العاده بود که تا قرن‌ها بر متفکران بعد از او تأثیر گذاشت. اما نکته عجیب ماجرا این است که به گفته گرین‌بلت هرچند آرای لوکرتیوس در آن زمان غریب به نظر می‌رسید امروزه بعد از هزاران سال برای ما عیناً قابل‌شناخت.

گرین‌بلت فهرست کوتاهی از این کتاب پیش‌روی ما می‌گذارد؛ فهرستی که هر چند به گفته او دعوی جامعیت ندارد اما به خواننده کمک می‌کند با مهم‌ترین دعوای لوکرتیوس آشنا شود. از نظر لوکرتیوس، همه چیز از ذرات مشاهده‌ناپذیر یا همان اتم‌ها ساخته شده است؛ اتم‌هایی که ابیدی و ازلی‌اند و دائم در میان کون و فساد در نوساند. این ذرات از حیث شمار بی‌نهایت‌اند اما از حیث شکل و اندازه محدود؛ درست مانند حروف الفبا که به رغم محدودیت عددی قابلیت خلق بی‌نهایت ترکیب دارند. اتم‌ها در خلئی نامرئی در حرکتند و از همین‌رو فضا نامحدود است و هیچ نقطه آغاز، میانه و پایانی ندارد. لازم به گفتن نیست دعاوی فوق و مخصوصاً ادعای اخیر با ایده منحصره‌فردبودن بشر در الاهیات مسیحی در تضاد مستقیم قرار دارد؛ بشری که به گفته لوکرتیوس، دارای هیچ جایگاه ممتازی در عالم هستی نیست. خلقت هستی حاصل یک «پیچ» است. اصطلاحی که عنوان اصلی این کتاب به انگلیسی است. به گفته لوکرتیوس، همه چیز در نتیجه یک پیچ، یک انحراف به وجود آمده است. ذرات اتمی که در خلأ و در اثر وزنشان همچون قطره‌های باران در حال باریدن به‌ناگاه از مسیر خود خارج شده و زنجیره‌ای بی‌وقفه از برخوردها به راه می‌اندازند؛ برخوردهایی که سبب پیدایش عالم هستی شده و هر آنچه در آن است.

به سبب چنین هستی‌شناسی‌ای شاید بتوان لوکرتیوس را از جمله پیشروان ماده‌گرایی یا ماتریالیسم دانست؛ دیدگاهی که بعدها متفکرانی نظیر گالیله، برونو، مایکولتی و بسیاری دیگر را شیفته خود کرد. اما گالیله‌ای هستی‌شناسی‌ای عمیقاً ماده‌گرایی متضمن فلسفه اخلاق خاص خود نیز هست و تعجبی ندارد که این هستی‌شناسی غریب با هستی‌شناسی مسیحی مولد فلسفه اخلاقی ضداخلاق مسیحی شود. از نظر لوکرتیوس و به پیروی از اپیکور، بالاترین هدف حیات انسان در چنین جهانی را می‌توان در افزایش لذت و کاهش درد و رنج خلاصه کرد. اما لذتی که حاصل کناره‌گیری از زیاده‌خواهی و سیطره‌طلبی است. بزرگ‌ترین مانع در راه لذت از منظر لوکرتیوس نه درد، بلکه وهم است. وهم در کنار زیاده‌خواهی و میل بی‌حد و حصر به چیزها دو دشمن اصلی خوشبختی است.

بی‌سبب نیست که افکار لوکرتیوس خوشایند کلیسا نبود. لوکرتیوس نه تنها با هستی‌شناسی خود تیشه به ریشه جهان قرون وسطی می‌زد، بلکه با اخلاقی کاملاً متضاد با ارزش‌های مسیحی پایه‌های این ستون استوار جهان قرون وسطی را سست می‌کرد. این گرین‌بلت در کتاب خود به‌خوبی راوی چنین چالشی است که در نهایت به فروپزختن پایه‌های اقتدار کلیسا و زایش عصری نو منجر شده. شاید گرین‌بلت، مانند بسیاری از نویسنده‌ها، در روایت خود از نقش لوکرتیوس در شکل‌گیری جهان مدرن اغراق کرده باشد، شاید ساده‌انگارانه باشد که مانند گرین‌بلت جهان مدرن را، از گالیله گرفته تا نیوتون و انقلاب آمریکا، تا این‌حد وامدار لوکرتیوس بدانیم. با این همه، ابداع افراق‌آمیز و اصلا ساده‌انگارانه نیست که بگوییم کتاب گرین‌بلت روایتی گیرا و خواندنی از دوران‌ها، انسان‌ها و اثرهایی است که عمداً یا به فراموشی سپرده شده‌اند یا آنچنان که باید قدرشان شناخته نشده است.

مرد

تولد علم اقتصاد

● چگونه دولت‌ها می‌توانند بدون داشتن درآمد خرج کنند؟ به چه دلیل برخی کشورها ثروتمند و برخی فقیرند؟ راه درمان رکود اقتصادی چیست؟ پس‌انداز، بیش‌تر یا مصرف بیش‌تر؟ علل به‌وجودآمدن تورم چیست؟ پیچیدگی دانش اقتصاد، تنوع نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی در کشورها مختلف، فراوانی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در شرایط عدم اطمینان و وجود مشکلات فراوان اقتصادی در اکثر یا تمام کشورها باعث می‌شود اقتصاددانان، سیاست‌مداران و سایر مردم گاهی دیدگاه‌های طنزگونه، آمیخته به حقیقت، واقعی و غیرواقعی و بعضاً غیرمنصفانه درباره اقتصاد بیان کنند. اکثر مردم عادی پس از شنیدن حرف‌های سیاست‌مداران درباره بهبود مشکلات معیشتی، کاهش تورم، رفع بقی کاری و افزایش رشد اقتصادی و بررسی و مقایسه سطح رفاه اقتصادی خود با این سخنان به این احساس مشترک می‌رسند که این سخنان نمی‌تواند درست باشد و به همین دلیل می‌گویند اقتصاددان‌ها (بخوانید سیاست‌مداران) خودشان هم نمی‌دانند چه چیز درست است و چه چیز نادرست و دائماً از کلماتی مانند اگر، شاید، احتمالاً، ممکن است، با این فرض، از یک سو و امثال آن استفاده می‌کنند. اندیشمند، فیلسوف و طنزپرداز انگلیسی، جرج برنارد شاو، می‌گوید اگر همه اقتصاددان‌ها را در یک جا جمع کنید، به هیچ نتیجه‌یاسانی نمی‌رسند. البته این سخنان طنز نمی‌توانند تمام واقعیت را آشکار کنند. کتاب «چگونگی رشد و فروپاشی اقتصاد» با استفاده از داستانی تخیلی و تصاویر کارتونی مفاهیم پیچیده مربوط به رشد اقتصادی و نظام پولی را شرح می‌دهد. نویسندگان کتاب، پیتر شف و اندرو شف، مبنای رشد اقتصادی، موارد استفاده از سرمایه، ماهیت ویرانگر وام‌های مصرفی، علل تورم، اهمیت تجارت خارجی، پس‌انداز، ریسک و بسیاری از مهم‌ترین اصول علم اقتصاد را در این کتاب شرح می‌دهند. کتاب هفده فصل دارد و در هر فصل درباره یکی از مفاهیم اقتصادی پایه توضیح داده می‌شود. هر فصل با یک مقدمه کوتاه آغاز و مفاهیم موردنظر در قالب ماجراهای پیش‌آمده برای سه شخصیت اصلی داستان، ایل، بیکر و چارلی شرح داده می‌شود. در طول هر فصل بخش‌هایی با عنوان «بررسی واقعیت» شامل نظریه‌های اقتصادی ارائه شده و نهایتاً فصل با یک نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد. روش بیان موضوعات و مشکلات اقتصادی در یک داستان تخیلی طنز به همراه کارتون‌های متعدد جذابیت کتاب را برای خوانندگان بیشتر کرده است. این داستان طنزآمیز خالصی در جزیره‌ای دورافتاده در اقیانوسی به نام «اوسونیا» با روایتی از تنها سه مرد ساکن در جزیره کل حکایت رشد اقتصاد از وضعیت راینسون کروژونه‌ای به سطوح بالاتر از توضیح می‌دهد. نکته مهم این است که عوامل یا شرایط لازم برای رشد اقتصادی مانند منابع طبیعی، سرمایه‌ی فیزیکی، سرمایه انسانی و فناوری چه در اقتصاد راینسون کروژونه و اقتصاد خیالی اوسونیا و چه در یک اقتصاد پیشرفته تفاوتی ندارد. شرایط کافی برای رشد و توسعه اقتصادی که عمدتاً به آموزش، جذب سرمایه‌گذاری، رشد و فروپاشی به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، مدیریت قضائی کارآمد، حقوق مالکیت، ثبات سیاسی، کنترل رشد جمعیت، تحقیق و توسعه، تجارت آزاد و امثال آن مربوط می‌شود، بحث دیگری است که در مورد هر اقتصاد باید به صورت جداگانه بررسی شود. نویسندگان در قالب این داستان طنز اقتصادی چگونگی رشد و فروپاشی اقتصاد، رونق و رکود و بحران اقتصادی و فرایند تحول از یک جامعه ابتدایی به یک جامعه پیشرفته را شرح می‌دهند. بسیاری از شخصیت‌های داستان، وقایع پیش‌آمده برای اهالی جزیره خیالی اوسونیا، مشکلات و فعالیت‌های به ظاهر مهم آنها، مشکلات اقتصادی، حوادث غیرمنتظره و میهمان‌های ناشناس می‌توانند کاملاً واقعی باشند. جزیره خیالی اوسونیا از نظر نویسندگان در درجه نخست همان ایالات متحده آمریکاست ولی اتفاقات داستانی می‌توانند مربوط به هر کشور دیگری باشد. مفاهیم مختلف اقتصادی از قبیل اهمیت منابع طبیعی، عوامل تولید، نوآوری، کارآفرینی، کارایی، بهره‌وری، فناوری، اهمیت افزایش تولید، اهمیت پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، انواع اعتبار، اهمیت تجارت، نقش پول، اختراع پول، اختراع بانک، اهمیت نقدینگی، رشد نقدینگی، تورم، رکود، ورشکستگی نظام بانکی و بحران مالی در قالب این داستان خیالی بررسی می‌شوند. نویسندگان در مقدمه کوتاه خود توضیح می‌دهند که در این داستان و قصه خیالی از اقتصاد آمریکا خواننده با بسیاری از شخصیت‌ها و حوادث آشنا و قابل تشخیص مواجه می‌شود. البته آنها توضیح می‌دهند برای اینکه بتوانند چنین داستان پیچیده‌ای را در یک کتاب کاملاً خلاصه و فشرده با تصاویر کارتونی متعدد روایت کنند، مجبور به دست‌نکاری و چکش‌کاری فراوانی شده‌اند تا بسیاری از جزئیات دیده‌نشده، مثلاً در دنیای واقعی اوراق خزانه‌دار بانک مرکزی آمریکا ۲۰ سال قبل از انتخاب فرانکلین روزولت به ریاست‌جمهوری منتشر شد اما به علت علاقه و میل شدید او به هزینه‌های دولت نویسندگان تصمیم گرفته‌اند تا در داستان خود او را به عنوان یک مبتکر معرفی کنند.

چگونگی رشد و فروپاشی اقتصاد
پیتر شف و اندرو شف
ترجمه: حمیدرضا ارباب
ناشر: نی
قیمت: ۳۶۰۰۰ تومان

